

پرسش ۷۵: آیهی «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول....»

السؤال / ۷۵: بسم الله الرحمن الرحيم، السيد أحمد الحسن (ع) السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

لي صديقة سنيّة وقد طرحت عليّ بعض الاشكالات التي حيرتني، وهي في قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)، لماذا لم يأمر بالردّ إلى أولي الأمر إن كانوا هنا معصومين ؟

المرسل: شيماء حسن علي

بسم الله الرحمن الرحيم. سيد احمد الحسن (ع)، السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

دوستى سنى دارم و برخى اشكالات را براى من مطرح مى كند كه من حيران مى مانم؛ در خصوص اين سخن خداوند متعال كه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اى كسانى كه ايمان آورده ايد، از خدا اطاعت كنيد و از رسول و الو الامرتان فرمان بريد و چون در امرى اختلاف كرديد، اگر به خدا و روز قيامت ايمان داريد، به خدا و پيامبر رجوع كنيد در اين، خير شما است و سرانجامى بهتر دارد). اگر معصومى وجود دارد چرا رجوع به اولو الامر را فرمان نداده است؟

فرستنده: شيماء حسن علي

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهدين وسلم تسليماً.

بعد هذه الآية بآيات في نفس السورة قال تعالى: (وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوِ رُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا) [245]، وفي هذه الآية أمر الله بالرد إلى أُولِي الْأَمْرِ (ع) وفي هذا كفاية لمن ألقى السمع وهو شهيد.

۱ - چند آیه بعد از این آیه در همین سوره، خداوند متعال می فرماید: «و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آنها رسد، آن را در همه جا فاش می کنند و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و الو الامرشان رجوع می کردند، حقیقت امر را از آنان درمی یافتند و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می کردید» [246]. در این آیه خداوند متعال فرمان به رجوع به اولی الامر (ع) داده است و برای کسی که گوش شنوا دارد و از شاهدان باشد، همین کافی است.

الرد إلى الرسول (ص) من بعده يعني الرد إليهم (ع)؛ لأنهم الامتداد لدعوته الإلهية والآلمات هذه الآية: (فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) [247] بموت رسول الله (ص) ولم يكن هناك حاكم يحكم بأمر الله يرد إليه عند التنازع، فينتفي عندها الرد إلى الرسول والى الله سبحانه.

۲ - مراجعه به رسول خدا (ص) یعنی بعد از او، مراجعه به ایشان (ع)؛ چرا که آنها، ادامه‌ی همان دعوت الهی هستند و در غیر این صورت، با وفات رسول خدا (ص) اگر حاکمی نباشد که در هنگامی منازعاتی به او رجوع شود تا به حکم خدا عمل کند، این آیه نیز می‌مرد: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» [248] (و چون در امری اختلاف کردید، اگر به

خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر رجوع کنید در این، خیر شما است و سرانجامی بهتر دارد؛ در این صورت، مراجعه به رسول و خداوند سبحان نیز منتفی می‌گردد.

حاشاه سبحانه وتعالی من أن یُضیع عباده، فلماذا یضع لهم من یرجعون إلیه عند تنازعهم فی زمن ثم یهملهم فی آخر، وهل هذا هو العدل الإلهی فی نظرهم؟! وإن قالوا نرجع إلی القرآن وسنة الرسول (ص) من بعده، فقد لجوا فی العناد والمکابرة، أولم یکن قبل نزول هذه الآیة قرآن منزل وسنة للرسول(ص)، فلماذا لم یأمر سبحانه بالاکتفاء بها، بل إن لكل حادث حدیثاً، ولكل مستجد حکماً من الله یعلمه رسول الله وأولو الأمر آل محمد (ع) الأئمة والمهدیون الذین أمر الله بطاعتهم؟ وإن قالوا إن بعد محمد (ص) تم الدین بالقرآن والسنة النبویة التي عندهم ولا تنازع بعده (ص).

۳ - از ساحت خداوندی بسی به دور است که بندگان خود را گمراه کند؛ چگونه ممکن است در برهه‌ای از زمان، هنگام منازعه، شخصی را برای رجوع کردن به او در میان آنها قرار دهد و در زمان دیگری، آنها را بدون هدایت کننده رها کند؟! آیا از نظر آنها، این عدل الهی است؟! و اگر بگویند بعد از رسول الله(ص) به قرآن و سنت او مراجعه می‌کنیم قطعاً در عناد و خیره‌سری فرو رفته‌اند؛ آیا قبل از نزول این آیه، قرآن نازل نشده و سنتی وجود نداشت؟! پس چرا خدای سبحان صرفاً اکتفا به مراجعه به این دو ننموده است؟! بلکه برای هر حادثه‌ای سخنی و برای هر رخدادی، حکمی از جانب خداوند وجود دارد که رسول خدا(ص) و اولو الامر از آل محمد(ع) یعنی ائمه و مهدیونی(ع) که خداوند امر به اطاعت از آنها کرده است آن را می‌دانند. یا شاید بگویند بعد از محمد(ص) دین با قرآن و سنت نبوی که نزد آنها است کامل شد و دیگر هیچ نزاعی بعد از او وجود ندارد!

فَأَنَا لَا أَنْقَلُهُمْ إِلَى تَنَازُعِهِمْ فِي الْأَحْكَامِ مِنْذُ مِائَاتِ السَّنِينَ، فَهَذَا يَحِلُّ وَذَلِكَ يَحْرَمُ نَفْسَ الشَّيْءِ، بَلْ كَفَرُوا أَنْتَهُمْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي مَسْأَلَةِ خَلْقِ الْقُرْآنِ الْمَعْرُوفَةِ. لَكِنْ أُرِيدُ طَرَحَ مَصِيبَةِ الْيَوْمِ الَّتِي هُمْ فِيهَا مُخْتَلِفُونَ، وَهِيَ مَصِيبَةُ تَحْلِيلِ إِرْضَاعِ الْكَبِيرِ الَّتِي افْتَرَتْ عَائِشَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ جَوْزُهُ، وَحَاشَاهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ مِنْ هَذَا الْفَسَادِ الَّتِي افْتَرَتْهُ عَائِشَةُ بِنْتُ أَبِي بَكْرٍ وَلَمْ تَعْمَلْ بِهِ مَعَهَا إِلَّا حَفْصَةُ بِنْتُ عَمْرِو، وَلَمْ يَرْتَدِعَا عِنْدَمَا ضَرَبَ اللَّهُ لِهَمَا مِثْلًا امْرَأَتِي نُوحَ (ع) وَلُوطَ (ع)، وَلَمْ يَزِدْهُمَا هَذَا الْمِثْلَ إِلَّا طَغْيَانًا (ضَرَبَ اللَّهُ مِثْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحَ وَامْرَأَتِ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ) [249]. وَالطَّامَةُ الْكَبْرَى أَنَّهُمْ يَعْتَبِرُونَ هَذَا الْحَدِيثَ صَحِيحًا وَرَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

من آنها را به نزاع‌هایشان در احکام الهی در صدها سال گذشته نمی‌برم که یک مسأله‌ی واحد را یکی، حلال و دیگری حرامش می‌کند، و حتی پیشوایان آنها همدیگر را در مسأله‌ی معروف و شناخته شده‌ی مخلوق بودن قرآن، تکفیر می‌کردند؛ ولی می‌خواهم مصیبتی که امروز گریبان‌گیر آنها است را مطرح کنم؛ مصیبت حلال دانستن شیر دادن به فرد بزرگ سال که عایشه جایز بودنش را به دروغ به رسول خدا (ص) نسبت داد؛ در حالی که چنین فسادِی از رسول خدا که صلوات و سلام پروردگارم بر او و خاندانش باد، بسی به دور است؛ فسادِی که عایشه دختر ابو بکر آن را به دروغ به وی نسبت داد و تنها کسی که به آن عمل کرد، حفصه دختر عمر بود و هنگامی که خداوند مثل زن نوح (ع) و زن لوط (ع) را برای آنها آورد، این مثل آنها را از هیچ کاری باز نداشت و جز طغیان و سرکشی به آن دو نیفزود: «خدا برای کافران مثل زن نوح و زن لوط را می‌آورد که هر دو در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند و به آن دو خیانت ورزیدند و آنها نتوانستند چیزی از زنان خود در مقابل خداوند باز دارند و به آن دو گفته شد: با دیگران به آتش درآید» [250] و فاجعه‌ی بزرگ این است که آنها این حدیث را صحیح می‌دانند و بخاری و مسلم نیز آن را روایت کرده‌اند.

وإليك نص هذه المصيبة، فقد أفتى رئيس قسم الحديث في جامعة الأزهر بجواز إرضاع الكبير:

این مصیبت را برای شما نقل می‌کنم که اخیراً رئیس دایره‌ی حدیث دانشگاه‌الازهر مصر جواز شیر دادن بزرگ‌سال را صادر نموده است:

(حيث أفتى د. عزت عطية رئيس قسم الحديث بكلية أصول الدين بجامعة الأزهر، أنه يجوز للمرأة العاملة أن تقوم بإرضاع زميلها في العمل منعاً للخلوة المحرمة، إذا كان وجودهما في غرفة مغلقة لا يفتح بابها إلا بواسطة أحدهما).

«آنجا که دکتر عزت عطیه رئیس دایره‌ی حدیث در دانشکده‌ی اصول دین دانشگاه‌الازهر فتوا داد که اگر زن کارمند با همکار مرد در اتاقی بسته باشند که فقط به واسطه‌ی یکی از آن دو در اتاق بتواند باز شود، زن می‌تواند به همکارش شیر دهد تا هنگام خلوت کردن با او حرامی حاصل نشود».

(وأكد عطية لـ «العربية. نت» أن إرضاع الكبير يكون خمس رضعات وهو يبيح الخلوة ولا يحرم الزواج، وإن المرأة في العمل يمكنها أن تخلع الحجاب أو تكشف شعرها أمام من أرضعته، مطالباً توثيق هذا الإرضاع كتابةً ورسمياً ويكتب في العقد أن فلانة أرضعت فلاناً.

«دکتر عطیه به شبکه‌ی العربیه تأکید می‌کند که شیر دادن به بزرگ‌سال باید پنج بار باشد تا خلوت را مباح کند ولی مانع از ازدواج نخواهد شد. در این صورت، آن زن می‌تواند حجاب خود را در حضور آن مرد همکارش کنار بگذارد و موی سرش را برهنه سازد به شرط اینکه این موضوع به طور رسمی و مکتوب ثبت گردد و در قرار داد ذکر شود که فلان زن، فلان مرد را شیر داد.

وفي تصريحات لـ «العربية. نت» قال عضو مجلس الشعب خلف الله: إن الخطأ في هذا الموضوع أنه لم يتم تناوله بطريقة علمية أو أكاديمية، فلو حدث ذلك

لاختلفت المسألة، لكنّها أثّرت إعلامياً بطريقة ساخرة كأنّ هناك من يحبون أن تشيع الفاحشة.

در پی نوشت‌های شبکه‌ی العربیه یک عضو فراکسیون مجلس «ملت پشت سر خدا» گفت: نکته‌ی منفی که در این موضوع وجود دارد این بود که هیچ‌گاه به صورت علمی و آکادمیک درباره‌ی آن مطالعه نشد که اگر صورت گرفته بود، مسأله فرق می‌کرد ولی در مورد آن تبلیغات تمسخرآمیزی صورت گرفت که گویی کسانی وجود دارند که می‌خواهند فحشا را بین مردم گسترش دهند.

إلا إنّ الشيخ السيد عسكر الوكيل الأسبق لمجمع البحوث الإسلامية، وهي أعلى هيئة فقهية بالأزهر، والنائب عن جماعة الإخوان المسلمين بالبرلمان، رفض هذا الرأي مؤكداً أنّه خروج على إجماع علماء الأمة ولا يجوز القياس على حالة خاصة، ومطالباً بالتصدي لذلك؛ لأنّه يسهم في نشر الرذيلة بين المسلمين.

اما شيخ سيد عسكر وكيل پیشین مجمع تحقیقات اسلامی که بالاترین هیئت علمی فقهی در دانشگاه الازهر است و نایب رئیس جماعت اخوان المسلمین در مجلس می‌باشد، این موضوع را رد کرد و آن را خارج از اجماع علمای عامّه دانست و اینکه برای یک حالت خاص نمی‌توان از قیاس استفاده کرد و تقاضای منع آن را نمود؛ چرا که آن باعث گسترش رذایل و فساد در بین مسلمین می‌دانست.

وكان د. عزّت عطية صرّح لجريدة «الوطني اليوم» الناطقة باسم الحزب الحاكم الذي يهيمن أعضاؤه على مجلس الشعب، إنّ إرضاع الكبير «يضع حلاً لمشكلة الخلوة؛ لأن حماية الأعراض من المقاصد الأصلية للشريعة، ويبني عليها كثير من الأحكام. مطالباً بتوثيق الإرضاع كتابة ورسمياً، ويكتب في العقد أنّ فلانة أرضعت فلاناً ونشهد الله على ذلك ونحن من الشاهدين». ثم كرّر ذلك في لقاء مع قناة النيل الثقافية التابعة للدولة.

دکتر عزت عطیه در روزنامه‌ی وطن امروز (الوطنی الیوم) با عنوان سخن‌گوی حزب حاکم که اکثریت اعضای مجلس را در اختیار دارند، تصریح می‌کند: «شیر دادن به بزرگ‌سال، راه حلی برای مشکل خلوت کردن زن و مرد است؛ چرا که حمایت از ناموس و شرف مردم از مقاصد اصلی شریعت است و بسیاری از احکام با همین هدف پایه‌گذاری شده است. با تأکید بر این مطلب که این شیر دادن به طور رسمی، مکتوب شود و در قرارداد قید گردد که فلان زن، فلان مرد را شیر داد و خدا را گواه می‌گیریم و ما نیز بر آن گواهی می‌دهیم» و بعدها این مطلب را در برنامه‌ای در شبکه‌ی فرهنگی نیل، تکرار نمود.

وأضاف أنّ السيدة حفصة التي بعثت ابن أخيها سالم بن عبدالله بن عمر يرضع من أخت السيدة عائشة حتى يدخل عليها، فوضع ثلاث مرّات وتعبت ولم يتم خمس رضعات فلم تدخله السيدة عائشة وماتت قبل أن يحدث ذلك).

وی اضافه نمود که سیده حفصه برادر زاده‌اش سالم بن عبد الله بن عمر را به حضور عایشه فرستاد که از خواهر عایشه شیر بخورد تا بتواند در خلوت با او باشد؛ که سالم سه بار از خواهر عایشه شیر خورد و خواهر عایشه خسته و رنجور شد و پنج بار به اتمام نرسید؛ بنابراین سیده عایشه بر او وارد نشد و او قبل از انجام این عمل، مُرد».

هذا بعض ما ورد في وسائل الإعلام حول هذه الفتوى في شهر (5 / 2007) ويستطيع أي أحد الاطلاع على الفتوى والجدل حولها في وسائل الإعلام وفي شبكة الإنترنت.

این گوشه‌ای از چیزی بود که در رسانه‌های جمعی در مورد این فتوا در ماه 5 / 2007 میلادی اعلام شد و می‌توانید در خصوص این فتوی در شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت به تحقیق بپردازید.

وانظري إلى ما يقول الشيخ السيد عسكر الوكيل الأسبق لمجمع البحوث الإسلامية: (... ومطالباً بالتصدي لذلك؛ لأنه يسهم في نشر الرذيلة بين المسلمين)، وكأنه لم يلتفت إلى أنّ هذا الذي يسهم في نشر الرذيلة بين المسلمين، ورد في البخاري ومسلم ومن افترته على الرسول (ص) هي عائشة، ولكنّه هل يستطيع أن يقول إنّ ما قامت به عائشة بنت أبي بكر وحفصة بنت عمر كما هو مروى في البخاري ومسلم (يسهم في نشر الرذيلة بين المسلمين).

به آنچه شيخ سيد عسكر وكيل پيشين مجمع تحقيقات اسلامى مى گويد، دقت كنيد: «... تقاضای منع آن را نمود؛ چرا که آن را باعث گسترش رذایل و فساد در بين مسلمين دانست». گویى متوجه نيست که آنچه باعث گسترش فساد و رذایل است، در صحيح مسلم و بخارى آمده و كسى که آن را به دروغ به رسول خدا(ص) نسبت داده، عايشه مى باشد. اما آيا اين شيخ مى تواند بگويد آنچه در صحيح مسلم و بخارى روايت شده و توسط عايشه دختر ابو بكر و حفصه دختر عمر اجرا شده است، باعث گسترش فساد و رذایل بين مسلمانان مى باشد؟!

على كل حال هذه المصيبة وأنا اعتبرها مصيبة، ولكنهم يعتبرونها مسألة خلافية وهم متنازعون فيها، إلى من يردونها؟! فلتفتهم الأخت السنيّة لعلها تفض نزاع القوم. فإن قالت، إلى الله وتعني بذلك القرآن؛ لأنه لا يوجد بين القوم نبي ولا وصي وإلى الرسول، وتعني بذلك السنة أو الحديث الذي رواه كل من البخاري ومسلم، فإنها بذلك تؤيد. عزّت عطية رئيس قسم الحديث بكلية أصول الدين بجامعة الأزهر في فتواه؛ لأنّ القوم لم يجدوا في القرآن ما يحرم إرضاع الكبير ووجدوا في البخاري ومسلم ما يجوز إرضاع الكبير ووجدوا أنّ عائشة بنت أبي بكر وحفصة بنت عمر عملتا بحديث إرضاع الكبير المفترى ([251]).

به هر حال، اين مصيبت است. من آن را مصيبت مى دانم ولى آنها آن را يك مسئلهى مورد اختلاف؛ حال در اين مورد به چه كسى بايد رجوع كنند؟ اين خواهر سنى به آنها فتوا دهد تا شايد نزاع قوم را برطرف نمايد! اگر بگويد به خدا مراجعت مى كنيم، منظورش قرآن خواهد بود، چرا كه در بين مردم نه پيغمبرى وجود دارد و نه وصى اى، و

اگر بگویند به رسول خدا(ص) یعنی سنت رسول خدا(ص) یا حدیث رسول خدا(ص) که مسلم و بخاری روایت کرده‌اند با این گفته فتوای دکتر عزت عطیه رئیس دایره‌ی حدیث دانشکده‌ی اصول دین دانشگاه الازهر را تأیید کرده است؛ چرا که مردم در قرآن چیزی در جهت منع شیر دادن بزرگ‌سال پیدا نکرده‌اند و حتی جواز آن را در صحیح مسلم و بخاری یافته‌اند و دیده‌اند که عایشه دختر ابو بکر و حفصه دختر عمر به این حدیث دروغین عمل کرده‌اند([252]).

كما أنّ القوم يتشاورون في الرجوع إلى البرلمان المصري ليحل نزاعهم أو الضغط على عطية ليتراجع عن فتواه بالقوة فارجو أن تستعجل في إفتائهم إلى من يرجعون !!!

این مردمی که با رجوع به مجلس مصر با یکدیگر مشورت می‌کنند تا نزاع‌شان حل شود یا بر عطیه فشار بیاورند تا از فتوایش برگردد خواهش می‌کنم در فتوا دادنشان عجله کنند که بالاخره به چه کسی باید رجوع کنند؟!!

وأنا انتظر جواب الأخت السنيّة صاحبة الإشكالات المذكورة، وأرجو أن تكون منصفة في الجواب إن كانت تطلب الحق، وأذكرها بقول رسول الله(ص) لأبي ذر.

من منتظر پاسخ این خواهر سنی هستم که این گونه اشکالات را مطرح می‌کند و خواهش دارم اگر واقعاً طالب حق و حقیقت است، در پاسخش انصاف به خرج دهد و او را به یاد این سخن رسول خدا(ص) به ابوذر می‌اندازم:

قال أبو ذر الغفاري: قال لي حبيبي رسول الله(ص): (قل الحق يا أبا ذر وقد قلت الحق وما أبقى لي الحق من خليل).

ابوذر غفاری گفت: حبیبم رسول خدا(ص) به من فرمود: «ای ابوذر، حق را بگو؛ من حق را گفتم و هیچ دوستی را برایم باقی نگذاشت».

۴- عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ). قَالَ: (إِنَّا عَنَىٰ أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَوَّلُ إِلَى الْأَمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ الْكُتُبَ وَالْعِلْمَ وَالسَّلَاحَ. وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ. ثُمَّ قَالَ لِلنَّاسِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، إِنَّا عَنَىٰ خَاصَّةً أَمْرَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِطَاعَتِنَا، فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعًا فِي أَمْرٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، كَذَا نَزَلَتْ وَكَيْفَ يَأْمُرُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِطَاعَةِ وَوَلَاةِ الْأَمْرِ وَيُرَخِّصُ فِي مُنَازَعَتِهِمْ، إِنَّمَا قِيلَ ذَلِكَ لِلْمَأْمُورِينَ الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) [253]. في هذه الرواية بيان لنزول الآية من الله سبحانه وتعالى.

۴ - از بُرید عجلی روایت شده است: از ابا جعفر (ع) در مورد این سخن خداوند عزوجل سوال کردم: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید و چون در میان مردم به داوری نشینید به عدل داوری کنید.» ایشان (ع) فرمود: «منظور، ما هستیم که امام پیشین باید کتاب‌ها و علم و سلاح را به امام بعد از خود تحویل دهد» و چون میان مردم به داوری نشینید به عدالت حکم کنید» یعنی به آنچه در دستان شما است. سپس خدای تعالی به مردم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و رسول و والیان امر از خودتان را اطاعت کنید» این مخصوص ما است، خدا همه‌ی مؤمنان را تا روز قیامت به اطاعت از ما امر فرموده است «و چون از نزاع و اختلاف در امری ترسیدید، آن را به خدا و رسول و اولو الامر تان ارجاع دهید» این گونه نازل شده است و چگونه ممکن است خدای عزوجل به اطاعت از والیان امر فرمان دهد در حالی که در نزاع و اختلاف‌هایشان، آنها را بر کنار دارد؟! جز این نیست که ارجاع دادن باید به مأمورینی باشد که در موردشان گفته شده است «خدا را اطاعت کنید و رسول خدا را و اولو الامر تان را» [254]. در این روایت، بیانی بر شأن نزول این آیه از سوی خداوند سبحان و متعال وجود دارد.



[245] - النساء: 83.

[246] - نسا: 83.

[247] - النساء: من الآية 59.

[248] - نسا: بخشی از آیه ی 59.

[249] - التحريم: 10.

[250] - تحريم: 10.

[251] - لقد تم الرد على هذه البدعة بالتفصيل في كتاب (بدعة رضاع الكبير...). أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)،

فمن أراد التفصيل فعليه مراجعة الكتاب. (المعلق).

[252] - پاسخ عليه این بدعت در کتاب «بدعت شیر دادن به بزرگسال» از انتشارات انصار امام مهدی (ع) به تفصیل داده

شده است؛ می توانید به آن مراجعه نمایید.

[253] - الكافي: ج 1 ص 276.

[254] - کافی: ج 1 ص 276.